

جایگاه قانون‌مندی جامعه در نظام اجتماعی قرآن

محمدیاسین بصیرت*

چکیده

قانون‌مندی جامعه در قرآن از بحث‌های جدید است. قرآن به‌عنوان کتاب الهی، به همه ابعاد زندگی بشر؛ از جمله به زندگی اجتماعی پرداخته است. قانون‌مندی جامعه جزء زندگی اجتماعی است. بیان قرآن از قانون‌مندی جامعه به سه روش مستقیم تحت عنوان «سنت الله»، قانون در جامعه خاص مرتبط با اقوام، الگو‌گیری یا عبرت‌آموزی از آن و قانون به معنای کلی درباره جامعه مؤمنین وجود دارد که با شرایط صدق، قابل تطبیق در جامعه است. روش تحقیق کیفی اسنادی تحلیلی و تغییر موضوعی با توجه به ترکیبی از جامعه‌ایستایی و پویایی است. جامعه‌ایستایی به‌صورت مقطعی جامعه خاص را مدنظر دارد، در جامعه پویایی سیر تحولات جامعه به‌طور کلی موردنظر است. نتیجه‌گیری این شده است که قانون‌مندی جامعه در قرآن بیان شده است. کشف این قانون‌مندی از تاریخ و مطالعه سرنوشت اقوام گذشته امکان‌پذیر است؛ و نیز بیان قرآن از قانون‌های اجتماعی مرتبط با مؤمنین، نشان‌دهنده این است که جامعه در صورت می‌تواند به سیر تکاملی ادامه دهد که از قانون‌مندی برخوردار باشد و با توجه به جامعه‌های گذشته از قانون‌شکنی‌های که منجر به نابودی و ناهنجاری جامعه می‌شود، پرهیز نماید. در قرآن برای جامعه قانون‌مند، وعده الهی به پیروزی داده‌شده و رستگاری و آینده تکامل‌بخش از جامعه خواهد بود که قانون‌مندی الهی در آن جریان داشته باشد. کلید واژگان: قانون، قانون‌مندی، جامعه، نظام اجتماعی.

* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی/ جامعه المصطفی العالمیه/ مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی

مقدمه

موفقیت در زندگی اجتماعی از خواسته‌های جامعه انسانی بوده است. یکی از عوامل موفقیت تأثیرگذار در زندگی اجتماعی، قانون‌مندی جامعه است. این مقال درصدد این است که قانون‌مندی جامعه در نظام اجتماعی قرآن، تبیین نماید. بدیهی است که رفتار اجتماعی انسان‌ها با قوانین اجتماعی جهت داده می‌شوند، هرچه این قوانین از پشتوانه حقیقی برخوردار باشد، تضمین سعادت اجتماعی را خواهد داشت. قرآن کریم یکی از منابع اصیل دینی است که می‌توان قوانین اجتماعی را از منظر آن بررسی کرد. آیات قرآن به‌نوعی بر قانون‌مندی جامعه دلالت دارند. اثبات قانون‌مندی جامعه، آثار مهم و قابل توجهی دارد و موارد از قانون‌مندی در آیات قرآن شامل سه بخش که به‌طور مستقیم بیان‌کننده قانون‌مندی جامعه هستند یا قانون‌مندی جامعه خاص تبیین شده و استفاده عمومی کردن از باب الگوگیری و یا از نظر شرایط صدق در موارد بیان عمومی آیات؛ نمونه‌های ذکر شده و در برخی موارد تفسیر نیز شده‌اند.

مفاهیم

مفهوم قانون‌مندی: لفظ «قانون» در دو معنا کاربرد دارد: یکی در امور اعتباری، وضعی و قراردادی و دیگری در امور حقیقی، نفس‌الامر و واقعی. قانون در معنای اعتباری و تشریعی، مفاد جمله‌ای است که به‌صورت دلالت منطقی و یا التزامی، بر امرونهی دلالت دارد. «هر راننده‌ای باید وسیله نقلیه خود را از سمت راست براند»، یکی از مقررات وضعی است که دال بر امر و بایندی است. قانون به معنای حقیقی یا تکوینی و یا نفس‌الامری حاکی از یک ارتباط نفس‌الامری است که با وضع و اعتبار سروکار ندارد. «حاصل جمع دو و دو چهار می‌شود» یا «آب بر اثر حرارت به جوش می‌آید» و یا «از ترکیب اکسیژن و هیدروژن آب پدید می‌آید»، از جمله قوانین حقیقی‌اند که از ارتباطات نفس‌الامری سخن می‌گویند و به وضع اعتبار نیز بستگی ندارند و به همین رو حقیقی‌اند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

آنچه در این مقاله در باب قانون‌مندی جامعه مدنظر است، شامل هر نوع قانون‌مندی جامعه بوده که جنبه الهی داشته و ممکن است با علوم تجربی کشف شود یا کشف نشود، اصل بر قانون‌مند بودن جامعه در نظام اجتماعی است.

۱. مفهوم جامعه

واژه «جامعه» در لغت اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای «گر آورنده»، فراهم‌کننده، یا فراهم آورنده، است و از جهت لغت، فرقی بین متعلق آن‌ها نیست؛ بلکه هر

عاملی که اشخاص یا اشیا یا اجزایی را گرد هم آورد و جمع نماید، بر آن مجموعه به دست آمده «جامعه» اطلاق می‌شود؛ این واژه، همچنین به معنای «غل و زنجیر» نیز آمده است؛ زیرا باعث جمع شدن دست‌ها به دور گردن می‌شود. (فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین و مطلع النیرین، ج ۴: ۳۱۳).

جامعه، در اصطلاح تعریف‌های مختلف شده است. جامعه در جامعه‌شناسی، به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مدت زمانی درازی باهم زندگی کرده باشند، سرزمینی را در اشغال خود داشته و سرانجام، توانسته باشند خودشان را به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از گروه‌های دیگر، سازمان دهند. (بروس کوئن، ۱۳۸۳: ۳۷). جامعه در اصطلاح عرفی، به معنای گروه انسانی که در مکان خاصی زندگی می‌کنند؛ عامل وحدت چنین اجتماعی از انسان‌ها که گرد هم آمده‌اند، می‌تواند دین، مذهب، نژاد، زبان، جغرافیا، شغل و حرفه باشد و از جهت کمیت و مقدار افراد نیز فرقی نمی‌کند، حتی در معنای وسیع و کلی‌تری مانند «جامعه بشری» نیز به کار می‌رود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۱)

۲. مفهوم نظام اجتماعی

نظام اجتماعی در جامعه‌شناسی، ناظر به نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی از مفاهیم مورد بحث در نظریات کارکردی و ساختی- کارکردی است. کارکردگرایان نظام اجتماعی را، کلی می‌دانند که دارای یگانگی و یکپارچگی است. کل مجموعه‌ای است که همه واحدها و عناصر ساختی و بخش‌های مختلف آن با یکدیگر تناسب و سازگاری دارند. (روشه، گی، ۱۳۷۶: ۲۲۰). از دید پارسونز، یک نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از کنشگران فردی ساخته می‌شود که در موقعیتی که دست‌کم جنبه‌ای فیزیکی یا محیطی دارد، با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنشگران برحسب گرایش به «ارضای حد مطلوب» برانگیخته می‌شوند و رابطه‌ای‌شان با موقعیت‌هایشان و همچنین با همدیگر، برحسب و به واسطه یک نظام ساختاربندی شده فرهنگی و نمادهای مشترک، مشخص می‌شود (جورج ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۴) به نقل از کتاب (نظام اجتماعی پارسونز، ۱۹۵۱: ۵-۶). در دیدگاه پارسونز، نظام اجتماعی به عنوان سیستم است که کنش گر را کنترل می‌کند و در میان چهار خرده نظام (اقتصاد، سیاست، فرهنگ و عرف اجتماعی)، اشاره نموده و به فرهنگ در نظام اجتماعی اهمیت خاص می‌دهد. (جورج ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۸)؛ بنابراین دیدگاه‌ها، الگوهای فرهنگی در قانون‌مندی جامعه، مهم هستند که با درونی کردن آن‌ها، نظام اجتماعی، کنترل و تداوم می‌یابد

نظام اجتماعی قرآن، مفهوم خاص دارد و نشأت گرفته از فرهنگ قرآنی است. در نظام

اجتماعی قرآنی به مؤلفه‌های فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها اهمیت اساسی داده‌شده است. در این نظام اجتماعی، حرکت، تلاش و کوشش افراد، در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود آنان است. افراد در این نظام اجتماعی مرتبط باخدای متعال بوده و به وجود و وحدت آفریننده جهان هستی ایمان دارند و همه الگوهای رفتاری با توجه به ارتباطات الهی - اجتماعی انجام می‌گیرد. شهید صدر، نظام اجتماعی قرآن را با عناصر چهارگانه مرتبط می‌داند و آن‌ها را چنین تبیین می‌کند: ۱- انسان ۲- طبیعت ۳- ارتباط انسان‌ها با یکدیگر یا با طبیعت دارند، این پیوند در تعبیر قرآن با استخلاف است ۴- با در نظر داشت ارتباط استخلاف، عنصر چهارم لازم است و آن خدا است. (محمدباقر صدر، ۱۳۸۱: ۱۳۳-۱۳۵)؛ در این نظام اجتماعی، انسان وظیفه خلافت الهی دارد که چهار نوع ارتباط دارد و ارتباط چهارم (پیوند با خدا) در حقیقت ساختمان ارتباطات انسانی الهی را تشکیل می‌دهد. به تعبیر شهید صدر، اگر نظام اجتماعی از بعد چهارم؛ یعنی بعد «الله» تهی شود، ساختمان اجتماعی به صورت دیگری عرضه می‌گردد. (همان: ۱۳۶). آقای مصباح یزدی از نظام اجتماعی قرآن، با عنوان «جامعه آرمانی اسلامی» تعبیر نموده و نظم در نظام اجتماعی قرآن را با ارتباطات الهی اجتماعی چنین توضیح می‌دهد: «چهار نوع ارتباط؛ ارتباط باخدای متعال، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با انسان‌های دیگر، از ویژگی‌های جامعه آرمانی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۱۸-۴۱۵).

روش تحلیل قانون‌مندی جامعه

قانون‌مندی جامعه را می‌توان با دو روش موردبررسی قرارداد.

الف) روش ایستایی اجتماعی: دیدگاه ایستایی اجتماعی بررسی جامعه است به عنوان مجموعه به هم پیوسته و منتظم با صرف نظر از تطورات آن در طول تاریخ. به تعبیر کوزر: «در بررسی ایستای جامعه‌شناسی، قوانین کنش و واکنش بخش‌های گوناگون نظام اجتماعی موردبررسی قرار می‌گیرد، بدون در نظر گرفتن آن جنبش بنیادی که همیشه در جهت تغییر تدریجی این قوانین کار می‌کند» (لیئوس کوزر، ۱۳۸۳: ۳۲).

ب) روش پویایی اجتماعی: دیدگاه پویایی اجتماعی، بررسی جامعه در حال تغییر و تحول است با در نظر داشت تطورات تاریخی. و آقای کوزر آن را مرادف با پیشرفت و تکامل می‌داند (لیئوس کوزر، ۱۳۸۳: ۳۵). در این تحقیق «قانون‌مندی جامعه در نظام اجتماعی قرآن» را با ترکیب از دو روش «ایستایی» و «پویایی» بررسی می‌کنیم؛ زیرا آیات قرآن، در بعضی موارد به گونه‌ای است که تمام تحولات تاریخی را دربرمی‌گیرد و در برخی موارد سخن از یک جامعه مثلاً جامعه «سبا» است؛ اما چون بیان قرآن الگو است و درس‌آموزی دارد و برای آن جامعه و

بعد از آن است قانون‌مندی در قرآن نمونه‌ای است برای سعادت جامعه؛ چون نازل شده است که حقیقت جامعه را شناخته است. واژه جامعه نیز معمولاً زندگی اجتماعی به صورت یک کل را تداعی می‌کند و غالباً توجه به ساخت کلی جامعه و فرهنگ را به معنای عام آن به صورت یک کل (اعم از صورت و محتوا) به ذهن می‌آورد، در حالی که علاوه بر ساخت و محتوا به صورت یک کل، باید حالت ایستایی و پویایی جامعه، یعنی ابعاد ساکن و متحول آن و نیز به جامعه در بستر زمان و با صرف نظر از بستر زمان نگریسته شود. افزون بر این، نباید توجه به جامعه صرفاً به عنوان یک کل معطوف گردد، بلکه باید پدیده‌ها یا امور اجتماعی به عنوان اجزا، بخش‌ها و عناصر جامعه نیز در قلمرو مباحث اجتماعی قرار گیرند. در این مقاله، آیاتی که بر قانون‌مندی جامعه در کلیه ابعاد یادشده دلالت می‌کنند، مورد نظر هستند.

تبیین جایگاه قانون‌مندی در نظام اجتماعی

دانشمندان علوم اجتماعی، جامعه را قانون‌مندی دانسته و ریشه آن را در طبیعت نظام اجتماعی تبیین کرده‌اند. نظام اجتماعی ریشه در درون انسان‌ها دارد؛ از آنجاکه نظم داشتن در جامعه، امری طبیعی و نشأت گرفته از سرشت افراد بشر است، قانون‌مندی جامعه را در فطرت و طبیعت اجتماعی افراد جستجو کرد. ارسطو در این زمینه می‌گوید: «جامعه‌ای که از فراهم آمدن چندین دهکده پدید می‌آید، شهر نام دارد که قائم با الذات است. هدف تشکیل آن نه تنها حفظ حیات، بلکه تأمین سعادت مردم است، این جامعه به حکم طبیعت مانند همه عناصر پدیدآورنده آن است.» (ارسطو، ۱۳۳۷: ۶). فارابی تکامل جامعه را در قانون‌مندی نظام اجتماعی دانسته می‌گوید: «برای هیچ فردی از افراد انسان وصول بدان کمالی که فطرت طبیعی او برای او نهاده است ممکن نبود مگر به واسطه اجتماع.» (فارابی، ۱۳۵۴: ۲۵۱). نظر ابن خلدون در این باره این است که از تمایزات انسان عمران یا اجتماع است یعنی باهم سکونت گزیدن و فرود آمدن در شهر یا جایگاه اجتماع چادر نشینان و دهکده‌ها برای انس گرفتن به جماعات و گروه‌ها و برآوردن نیازمندی‌های یکدیگر چه در طبایع انسان حس تعاون و همکاری برای کسب معاش سرشته شده است.» (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۷۵). آگوست کنت، نیز موافق طبیعی بودن زندگی اجتماعی است ایشان می‌گوید: «جامعه بشری نیز باید با همان روشی مورد بررسی قرار گیرد که در جهان طبیعی به کار برده می‌شود جامعه انسانی نیز همچون حوزه‌های دیگر گیتی تابع قوانین بنیادی است.» (لوئیس آلفرد کوزر، ۱۳۸۳: ۲۳).

منتسکیو، ارتباط نظام اجتماعی با قانون‌مندی جامعه را طبیعی دانسته، می‌نویسد: «صلح نخستین قانون طبیعت است. انسان پس از احساس ضعف و ضمیمه آن به احتیاج و تقاضاهای

آن‌ها نسبت به یکدیگر - به مناسبت شعوری که دارند موفق می‌شوند معلومات را کسب نمایند - آن‌ها را وادار می‌نماید که میل به زندگی در اجتماع داشته باشند.» (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۸۸-۸۹). علامه طباطبایی، نظام اجتماعی را در قانون‌مندی طبیعی و فطری تفسیر کرده است: «قرآن کریم قانون علیت عمومی را پذیرفته و افعال و پدیده‌های را هم به علل طبیعی و هم به خدا نسبت می‌دهد» (طباطبایی، المیزان، ج ۱، ۱۳۷۴: ۶۰۵) این دیدگاه علامه طباطبایی در قانون‌مندی اجتماعی مطابق است با آنچه اکثر مفسران آن را مطابق با فطرت تفسیر کرده‌اند (احمد مراد خانی، ۱۳۸۶: ۳۴) علامه طباطبایی در بحثی تحت عنوان روابط اجتماعی چنین می‌نویسد: «انسان در میان تمامی جانداران، موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب نیاز به بحث زیادی ندارد؛ زیرا فطری است؛ یعنی فطرت تمام انسان‌ها این معنا را درک می‌کند و تا آنجا که تاریخ نشان داده، هر جا بشر بوده است به‌صورت اجتماعی زندگی می‌کرده و قرآن نیز از این واقعیت خبر می‌دهد» (طباطبایی، المیزان، ج ۴، ۱۳۷۴: ۱۴۴) شهید مطهری، زندگی اجتماعی را مرتبط با طبیعت و فطرت انسان‌ها دانسته و می‌نویسد: اجتماعی بودن یک غایت کلی و عمومی است که طبیعت انسان بالفطره به‌سوی او روان است.» (مطهری، ۱۳۸۴: ۳۳۳)

صاحب تفسیر «انوار درخشان» تفسیر نزدیک به دیدگاه علامه طباطبایی دارد، ایشان درباره زندگی اجتماعی می‌نویسد: خداوند اراده نموده است که بشر بر اساس یک نظام اجتماعی زندگی کند و بازندگی اجتماعی است که زندگی انسان‌ها سامان می‌یابد (انوار درخشان، ج ۵: ۴۰۲) مؤید نظریه ذکرشده، تحلیل مفسر «تفسیر اطیب البیان» از زندگی اجتماعی است ایشان می‌گوید: چون انسان مدنی بالطبع است، احتیاج به هم‌نوع خود دارد و نیز نیاز دارد که در باب معاملات و سایر حوائج یکدیگر را بشناسد (اطیب البیان، ج ۱۲: ۲۳۱). از دیدگاه مفسران، استفاده می‌شود که زندگی اجتماعی در طبیعت و فطرت انسان نهفته است و قانون‌مندی جامعه از لازمه زندگی اجتماعی است.

در نظام اجتماعی قرآن، قانون‌مندی جامعه در راستای سعادت‌مندی دنیا و آخرت است؛ زیرا قانون‌مندی در جامعه، شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند. در قرآن، پیوند عمیق میان هدایت انسان در نظام اجتماعی و قانون‌مندی جامعه، برقرار است. به تعبیری شهید صدر، میان‌صحنه تاریخ و قوانین و سنن تاریخی با رسالت قرآن کریم، پیوندی تنگاتنگ برقرار است. صحنه تاریخ و قوانین تاریخی برخلاف قوانین تجربی و طبیعی مربوط به حوزه دانش و بینش بشری است و چون قرآن کریم در امور جامعه کتابی دگرگون ساز است، ارتباط

آن با قوانین تاریخی و انسانی روشن می‌شود. (محمدباقر صدر، ۱۴۰۹ ق: ۷۵-۸۰) قانون‌مندی، نظم ایجاد می‌کند و سبب امنیت و آرامش جامعه می‌شود. وجود قانون برای جامعه نیاز اساسی است؛ تا همه بتوانند به نحو مطلوب و شایسته از زندگی بهره‌های مادی و معنوی ببرگیرند. آزادی واقعی در جایی است که قانون باشد و پیشرفت و اداره جامعه در سایه قانون‌مندی میسر است. هر جا قانون‌مندی باشد سعادت و برکات است. قانون‌مندی، سلامت جامعه را تضمین می‌نماید. اصلاحات جامعه، در پناه قانون‌مندی انجام می‌گیرد. یکی از بخش‌های آیات قرآن، شئون اجتماعی است؛ به مسائل اجتماعی، از جمله قانون‌مندی جامعه، عنایت خاصی دارد. آیات کریمه قرآن، به شکل‌های مختلف از قانون‌مندی جامعه سخن گفته‌اند.

قانون‌مندی جامعه در تکامل نظام اجتماعی

قانون‌مندی جامعه در قرآن، به معنای تدابیری است که خداوند، در جهت تکامل نظام اجتماعی قرار داده است. قانون‌مندی اجتماعی الهی، در واقع به معنای نفی جبر اجتماعی و کور بودن قوانین اجتماعی غیر الهی است. قانون‌مندی اجتماعی غیر الهی، با در نظر نگرفتن خداوند در جامعه، زندگی انسان را با قوانین مرتبط می‌سازد که غیر از جبر اجتماعی وجود ندارد؛ اما در قوانین مرتبط با خدای حکیم که مطابق با حکمت است، زندگی اجتماعی برنامه‌ای در جهت تکامل انسانی است که اراده‌اش در سرنوشت آن تأثیرگذار است؛ بنابراین، معنای الهی بودن قانون‌مندی اجتماعی در قرآن به مفهوم ارائه طریق، تحت عنوان «شریعت» زمینه هدایت انسان را فراهم کرده است؛ چنان‌که در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِنَّمَا كَفَرُوا» - سوره انسان / آیه ۳ «هدایت الهی با ارائه قانون زندگی اجتماعی بوده است. انسان آزادی دارد می‌تواند شاکر باشد به اهداف زندگی اجتماعی از تکامل مادی و معنوی برسد و سعادت‌مندی دنیا و آخرت را داشته باشد یا کفران نماید که نتیجه آن شقاوت و بی‌هدفی و خسران دنیا و آخرت است. مقصود از قانون‌مندی اجتماعی، قانون‌مندی طبیعت نیست که جبر کامل حاکم باشد؛ بلکه یکی از ویژگی‌های آن این است که انسان‌ها در آن اختیار دارند. با این توضیح که تحقق قانون با شرایط است که انسان نقش مهم در اجرایی شدن آن دارد. در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُمْ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» سوره رعد / آیه ۱۱؛ خداوند، سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه آنان در خودشان است تغییر دهند. این آیه، چگونگی اجرایی شدن قانون اجتماعی در جامعه از منظر قرآن را نشان می‌دهد. انسان در جامعه محکوم جبر اجتماعی نیست، اختیار دارد می‌تواند با اجرایی نمودن قانون اجتماعی الهی در جامعه، سرنوشت رستگاری و پیشرفت را داشته باشد.

هماهنگی قانون‌مندی با اصل علیت میان پدیده‌های اجتماعی، در جهت نظم بخشیدن به جامعه است. انسان در زندگی اجتماعی تحت قانون‌مندی جامعه قرار داشته باشد تا بتواند به مسیر تکامل حیات معقول جمعی ادامه دهد. نسبت دادن قانون‌مندی جامعه به خداوند به مفهوم نفی روابط علیت میان پدیده‌ها نیست. این اصل پذیرفته‌شده است که روابط ضابطه‌مندی بین حوادث اجتماعی به‌عنوان معلول و عللشان برقرار است. قانون‌مندی جامعه در قرآن نیز به این معنا است که میان عذاب‌ها و یا تقلیل نعمت‌ها با گناه و افزایش نعمت‌ها با اطاعت اوامر الهی، برقرار است. در قرآن می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا - سوره کهف / آیه ۵۹» در این آیه رابط میان ستمگری جامعه و هلاکت را تبیین می‌کند. این ویژگی بیان می‌کند که هر پدیده و حادثه‌ای، به‌عنوان امر ممکن، دارای علت است.

تأثیر قانون‌مندی جامعه در نظم اجتماعی

ثبات و استمرار نظم اجتماعی با قانون‌مندی جامعه است. برای توضیح این مطلب که استمرار نظام اجتماعی با قانون‌مندی است، چند مقدمه لازم است:

الف) انسان‌ها دارای ماهیت واحدی هستند، صفات و ویژگی‌های مشترک دارند.

ب) اشتراک انسان‌ها در صفات و ویژگی‌ها می‌تواند مبنای اشتراکشان در قوانین تکوینی و تشریعی باشد. روشن بودن این دو مقدمه از آنجا است که اشتراک انسان‌ها در حقوق، روان‌شناختی، فیزیکی، طبی و ... پذیرفته‌شده است، اشتراک در اجتماع نیز وجود دارد که با توجه به واقعیت زندگی اجتماعی امکان این است که اشتراک در قوانین اجتماعی وجود داشته باشد.

ج) طبیعت و ذات جامعه چیزی غیر از طبیعت و ذات افراد انسان‌ها نیست. جامعه جز روابط انسان‌ها نیست، این روابط قانونمند باشد هر قانون که بر فرد است بر جامعه است. پس اشتراک انسان‌ها در قانون‌مندی اجتماعی وجود دارد. آنچه در تاریخ از قانون‌مندی اجتماعی وجود داشته برای انسان‌های جامعه امروز نیز پس از تحقیق علل و عوامل آن‌ها، ثابت و استمرار دارند. در قرآن می‌فرماید: «كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ... - سوره رعد/ آیه ۳۰» بدین گونه، تو را در میان امتی که پیش از آن، امت‌هایی روزگار به سر بردند، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی...؛ سرنوشت مشترک انسان‌ها، قانون اجتماعی مشترک میانشان را ایجاب می‌کند. مطابق با این آیه، قانون‌مندی اجتماعی، از آن جهت که به‌صورت علی و معلولی درآمده‌اند با پیدایش موجبات این قوانین، آثار

و لوازم آن نیز به دنبالش می‌آید و این رابط سبب و مسبب دائمی است. تأثیر قانون‌مندی در نظام اجتماعی، عینیت و قابل‌مشاهده است. قانون‌مندی جامعه؛ یعنی مجموعه روابط عینی و خارجی که از ناحیه خداوند، ترسیم و طراحی شده است و در جامعه دارای آثار قابل‌مشاهده است. در قرآن، رابطه میان تقوی و برکت در جامعه، بیان شده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» - سوره اعراف / آیه ۹۶ «هرگاه مردم یک آبادی ایمان بیاورند و تقوا را پیشه خود سازند مادرهای رحمت و برکت را از آسمان و زمین به روی آنان می‌گشاییم ولی آنان به تکذیب برخاستند ما نیز آنان را به سزای کارهای خود مؤاخذه کردیم. سعی و تلاش برخی از جوامع بر آن بوده تا بتوانند قوانین الهی را در سرزمین خود حاکم نموده و دستورات، فرمان‌ها و نواهی الهی را سرلوحه تمام اعمال خود قرار دهند که مسلماً در این صورت آثار نزول برکات عمل به دستورات الهی بر آنان هویدا خواهد گشت. خداوند، با قانون در جامعه، راه‌هایی را برای رساندن بندگان به کمال فراهم آورده که سرچشمه و منبع بسیاری از خیرات، برکات و کمالات انسانی است و با الهام از آیه، متوجه می‌شویم که خداوند بین نزول برکات خود بر بندگان و وفور نعمت و برکت رابطه برقرار کرده است. در این آیه رابطه عینی قابل تجربه بیان شده است با این توضیح که رفتار اجتماعی مطابق با قانون تقوای الهی باشد، در این صورت جامعه قانونمند خواهد بود، برکت در آن مشاهده خواهد شد. چنین رابطه‌ای که یکی متغیر مستقل است و دیگری متغیر تابع، رابطه‌ای عینی و قابل‌مشاهده است.

پیامدهای قانون‌مندی اجتماعی در جامعه

قانون‌مندی در قرآن در قالب سرگذشت گذشتگان بیان شده است؛ از آنجاکه سرنوشت انسان‌ها باهم پیوند دارد، تاریخ انسان‌ها باحال و آینده آن‌ها در ارتباط است. به تحلیل شهید مطهری، «انسان به‌عنوان نوع واحد به حکم فطرت و طبیعت خود، اجتماعی است به این معنا که اجتماعی بودن او و دارای روح جمعی شدن او از ویژگی ذاتی و فطری او سرچشمه می‌گیرد، نوع انسان برای این که به کمال لایق خود که استعداد رسیدن به آن را دارد برسد، گرایش اجتماعی دارد و زمینه روح جمعی نیز به نوبه خود به منزله وسیله‌ای است برای این که نوع انسان را به کمال نهایی برساند، در نتیجه جامعه‌های انسانی نیز ذات و طبیعت و ماهیت واحد دارند» (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴: ۵۳). تأکیدات مکرر قرآن کریم به حاکمیت قانون‌مندی بر سرگذشت جامعه‌ها (احزاب / آیه ۶۲) (فتح / آیه ۲۳). (آل عمران / آیه ۱۳۷). (فاطر / آیه ۴۳). و تمثیلات متعدد آن در نهاد خانواده، بیان قصص متعدد و گاه تکرار برخی سرگذشت‌ها و تصریح‌های

فراوان به عبرت‌گیری از این سرگذشت‌ها (روم/۲۱) (آل عمران/۱۳) (یوسف/۱۱۱)، بیانگر بیانی اعجاز گونه علمی اجتماعی در قانون‌مندی جامعه است. از یک سو سرنوشت مشترک داشتن و از طرفی وجود مشترکات فراوان در بین جامعه‌ها؛ در نتیجه اعتقاد به وجود اشتراک در قانون‌مندی و آثار مترتب بر آن است. تأثیر قانون‌مندی در نظام اجتماعی، پیامدهای دارد؛ زیرا جامعه ترکیب از افراد به هم پیوسته است و نظم جامعه مهم‌ترین قانون اجتماعی است که تأثیرگذار بر تمام نهادهای اجتماعی دارد. قانون‌مندی جامعه، پیامدهای مهم و شایان توجهی به دنبال دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) پیش‌بینی‌پذیری آینده جامعه

از دیدگاه قرآن، نظام اجتماعی قانون‌مند است؛ با توجه به آموزه‌های قرآنی بایست، درصدد کشف قوانین و برآمد و با شناخت آن‌ها رابطه‌ها و تطبیق آن قوانین کلی بر جوامع و پدیده‌های اجتماعی موجود، روند رخداد پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کرد؛ البته روشن است که برای چنین نتیجه‌گیری‌ای علاوه بر اثبات قانون‌مندی، امکان کشف قوانین اجتماعی نیز باید اثبات شود. به بیان دیگر، قانون‌مندی، شرط لازم (ونه کافی) پیش‌بینی‌پذیری و نیز قدرت بر پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی است. آیات که بیان‌کننده تاریخ جامعه‌ها می‌باشند و حکایت‌کننده قانون‌مندی آن‌ها در قالب سنت‌ها هستند: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا سوره احزاب/ آیه ۶۲» نهایت سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز، جاری بوده و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیق است. آیه دیگر در این زمینه می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا سوره فتح/ آیه ۲۳ این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت... در برخی آیات نظر کردن به جامعه‌های گذشته و درس‌آموزی از آن‌ها مطرح شده است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ سوره آل عمران/ آیه ۱۳۷» پیش از شما سنت‌هایی بوده است. پس در روی زمین بگردید تا ببینید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؛ بنابراین آیات، قابل پیش‌بینی نابودی برای نظام اجتماعی است که تکذیب آیات الهی می‌کند.

برخی آیات از نظر عبرت‌آموزی از سرنوشت جامعه در گذشته بر قانون‌مندی جامعه دلالت دارد؛ آیاتی همچون: «قَدْ جَانَاكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ - سوره آل عمران / آیه ۱۳» در دو گروهی که باهم روبه‌رو شدند، نشانه و عبرتی برای شما بود. یک گروه

در راه خدا پیکار می‌کردند و جمع دیگری کافر بودند؛ در حالی که کافران مؤمنان را با چشم خود دو برابر آنچه بودند می‌دیدند. خداوند هر کس را بخواهد، با یاری خود تأیید می‌کند. در این عبرتی است با کسانی که اهل اطلاع و آگاهی هستند. در این زمینه داستان‌های قرآن به‌عنوان درس عبرت‌انگیزی است: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ - سوره یوسف / آیه ۱۱۱». به‌راستی در سرگذشت آن‌ها عبرتی برای صاحبان اندیشه بود.

عبرت گرفتن و پندآموزی و موعظه، به معنای شناخت قوانین تاریخی، شمول آن قانون‌ها نسبت به جوامع کنونی و آینده است؛ به تعبیر آقای رجبی، آیاتی که به ذکر وقایع تاریخی امت‌ها و اقوام گذشته می‌پردازند و به عبرت‌آموزی از آن‌ها توصیه می‌کنند، به‌خوبی بر قانونمند بودن پدیده‌های تاریخی و اجتماعی دلالت دارند (محمود رجبی، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۶) افزون بر آیات سنن، سیر و نظر و عبرت، آیاتی با مضامین ذکر و متذکر، تعقل و تأمل و مثل نیز آمده که به‌نوعی مفاد آن‌ها دال بر قانون تاریخی و اجتماعی است (محمود رجبی، همان).

در بخش آثار اجتماعی قانون‌مندی در جامعه، می‌توان عملیاتی شدن قانون امر به معروف و نهی از منکر برای نظام اجتماعی، ذکر کرد که به بهترین جامعه تعبیر شده است. در قرآن کریم می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» [آل عمران، آیه ۱۱۰]. شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. این آیه از جامعه اسلامی، به بهترین امت یاد می‌کند با نشانه امر به معروف و نهی از منکر، شناخته شده است؛ یعنی همواره امر به معروف (حجاب داشتن) و نهی از منکر (کنترل بر بدحجابی) در جامعه جریان داشته باشد؛ اگرچه آیه با صیغه ماضی «کنتم خیر امة...» یعنی در گذشته، جامعه اسلامی را یادآور می‌شود؛ ولی مفهوم آن عام می‌باشد که جامعه اسلامی همواره چنین ویژگی داشته باشد با این ملاحظه که امر به معروف و نهی از منکر به‌مثابه نظارت اجتماعی در آن، جریان داشته باشد. ابن قتیبه دینوری، این آیه را چنین تفسیر می‌کند: «آیه شریفه از رخدادی در گذشته تعبیر می‌نماید که در قیاس با ملل پیشین این امتیاز را برای مؤمنان برشمرده که چون آمر به معروف و ناهی از منکر بوده‌اند، برجسته و متمایز شده‌اند. پس اگر از این خصلت دوری ورزند، به‌طور طبیعی از مزایای آن نیز محروم می‌شوند. به این ترتیب، فعل دلالت بر ماضی دارد؛ اما از حیث معنا دلالت عام دارد و از اعتبار این حکم نه تنها در گذشته بلکه در آینده خبر می‌دهد (ابن قتیبه الدینوری، ۱۳۸۴: ۴۰۶ و ۴۲۲). این تفسیر، ویژگی جامعه مؤمنان را در مقایسه با جامعه‌های دیگر، بیان کرده که با امر به معروف و نهی از منکر، از بهترین امت شده‌اند. مفهوم آیه با دلالت عام، اثر

اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کند که جامعه مؤمنان با داشتن چنین ویژگی از بهترین جامعه‌ها خواهند بود.

در حدیث، آثار اجتماعی، عملیاتی شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بیان شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ... وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَغْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ الْحَدِيثُ...** (محمد بن یعقوب، کلینی، ۱۴۲۹ ق ص ۴۸۳) در این روایت از امر به معروف و نهی از منکر به «فریضه عظیمه» تعبیر شده است که با اقامه شدن آن در جامعه، دیگر فرایض نیز اقامه می‌شوند. برای روشن شدن ارتباط اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر با واجبات دیگر، به اجرایی شدن احکام اسلامی اشاره می‌شود. اجرایی شدن احکام در جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط است؛ زیرا این فریضه، تکلیفی اجتماعی به عنوان نظارت عمومی و تضمین‌کننده عملیاتی شدن مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در جهت نظام اجتماعی مطرح است.

ب) توانایی تحلیل درست از تاریخ جامعه

همان‌گونه که قدرت پیش‌بینی حوادث آینده، به قانون‌مند بودن جامعه مرتبط است، اگر قانون‌مندی جامعه به اثبات برسد و زمینه برای کشف قوانین فراهم آید و با در دست داشتن قوانین اجتماعی به بررسی جوامع پیشین بپردازیم، یقیناً تحلیلی درست‌تر از آنچه صرفاً در کتاب‌های تاریخ آمده است، در اختیار خواهیم داشت و حتی با در دست داشتن قوانین می‌توانیم برخی نقل‌های تاریخی را تصحیح کنیم. دوم در تحلیل آیات مرتبط با قانون‌مندی جامعه این‌گونه است که آیات قرآن کریم درباره جامعه خاص مثلاً از جامعه «سبا» یاد می‌کند و عناصر سازنده آن را به گونه بیان می‌کند که امروزه از چنین جامعه‌ای تحت عنوان جامعه قانون‌مند نام می‌برند. قرآن در مورد این قوم، واژه «آیه» را به کار می‌برد که مبین کمال قانون‌مندی این جامعه است. برای نمونه در قانون‌مندی جامعه «سبا» می‌توان به امنیت اجتماعی اشاره کرد؛ در جامعه سبا، امنیت تمام‌عیار برقرار بود، افراد از آینده‌نگرانی نداشتند؛ زیرا حد متعارف معیشت برای همگان تأمین می‌شد. قرآن با تعبیر «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ سوره النحل / آیه ۱۱۲» به هر دو نوع امنیت ظاهری و روانی اشاره می‌کند. خداوند در بیان حال این قوم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيَرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سوره سبا / آیه ۱۸)؛ بروید در آن دهکده‌ها، شب‌ها و روزها، در حالی که ایمن باشید، یعنی امنیت در حدی

بود که گردش شبانه با گردش روزانه تفاوتی نداشت

سرگذشت اقوام، طبق آیات سوره شعراء به اختصار بیان و عامل عمده فروپاشی آن‌ها ذکر می‌شود که هر کدام می‌توان آینه عبرتی برای جویندگان قانونمندی‌های زندگی اجتماعی باشد. در عین حال از برآیند مجموعه ضعف‌های اقوام پیشین می‌توان عناصر اصلی و سازنده یک نظام قانون‌مند را تشخیص داد. حضرت موسی علیه‌السلام جامعه بنی‌اسرائیل از جمله حاکمیت استبدادی آن را به قانون‌مندی نظام اجتماعی بر اساس جامعه توحیدی، فرامی‌خواند. خداوند از داستان فوق چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» - سوره الشعراء / آیه ۱۹۰-۱۹۱؛ و در نهایت فرآیند (حاکمیت استبدادی) این است که در جامعه بنی‌اسرائیل، نظام اجتماعی قانون‌مند الهی، جایگزین فرعونیان طاغوتی شود. در قوم ابراهیم: ابراهیم علیه‌السلام به هدایت قومی همت می‌گمارد که به پیروی از پدران خویش سنگ‌پاره‌های بی‌زبان را می‌پرستند «قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» - سوره الشعراء / آیه ۷۴؛ بلکه یافتیم پدران خود را که این چنین می‌کردند؛ پس پیروی کورکورانه از قانون‌های پیشین بدون نقد عقلانی یکی از آفت‌های جوامع است که خداوند مایه عبرت کلیه جوامع می‌پندارد. در قوم نوح: حضرت نوح علیه‌السلام بدون چشمداشت پاداش مادی و صرفاً جهت پاداش الهی امت را به مسیر حق دعوت کرد (شعراء، آیه ۱۰۹)، ولی اکثر امت به بهانه پست بودن پایگاه اجتماعی پیروان نوح، از پیروی ایشان سرباز زده و «قَالُوا اتَّبِعْنَا لَئِنَّا كُنَّا بِهَذَا آلَ الْاُذْلُونَ» - شعراء / آیه ۱۱۱؛ گفتند آیا ایمان آوریم به تو در حالی که پیروان تو فرومایه‌گانند» در نتیجه در نظام اجتماعی اگر شخصیت قدرت نگر معیار قانون‌مندی شود در نهایت به فروپاشی جامعه می‌انجامد. در قوم هود با این بیان: «لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» سوره المؤمنون / آیه ۸۳، خوی اشرافی خویش را مدرن تلقی کرده و مواظب پیامبر را سنت پیشین می‌نامند؛ پس انحراف از قانون‌مندی، در مورد قوم عاد، تمایلات اشرافی‌گری است که نظام جامعه قوم عاد را به اختلال مبتلا کرد و موجب سقوط آن شد. قوم ثمود جامعه از خودبیگانه که حضرت صالح علیه‌السلام را به لحاظ پایگاه اقتصادی همسان خود می‌دیدند، گفتند: «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ»؛ انکار تو از سحر شدگانی قوم ثمود آن قدر از خودبیگانه شده و اتکای به نفس خویش را از دست داده بودند که سخن غیر اشراف را بیهوده و گوینده‌اش را سحر شده می‌انگاشتند؛ در نتیجه از خودبیگانگی توده جامعه قوم ثمود در برابر اشرافی‌گری، نظام جامعه طبقاتی شده، دعوت پیامبر خدا بر قانون‌مندی جامعه بر اساس توحید و عدالت و... را، جادوگری تحلیل کردند. در قوم لوط، جامعه به دلیل «تاهنجاری

اجتماعی» مستحق شکست گردید؛ در نتیجه، قوم لوط به علت انحراف جنسی هلاک شدند تا عبرتی باشد بر آیندگان؛ بدین مضمون که قوانین اجتماعی می‌بایست مبتنی بر کتاب تکوین باشد و این که ارزش‌های مطلق را با این رهیافت نظری می‌توان تشخیص داد.

جامعه اسلامی، با الگوی نظری قانون‌مندی الهی، جهانی اجتماعی را بسازند که قانون جامعه همچون عدالت اجتماعی، اگر نادیده گرفته شود نظام اجتماعی فرو خواهد پاشید - و با مقایسه جوامع پیشین می‌تواند به آفت‌های جوامع واقف گشته و از سنت‌گرایی غیر عقلانی بپرهیزد و بر بنیاد دینی پویا و مبتنی بر ارزش‌های مطلق (به لحاظ زمانی - مکانی) قانون‌مندی را پایه‌گذاری نماید. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فان فی العدل سعة» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵). در عدالت گشایشی برای عموم است. (۱) با عدالت اجتماعی ظرفیت‌های انسانی پویایی و بالندگی پیدا می‌کند و زمینه برای تکامل هموارتر می‌شود. (۲) اجرای قوانین با عدالت اجتماعی در ارتباط است. در جامعه‌ای که عدالت نباشد قوانین درست اجرا نمی‌شود و قانون‌مندی جامعه دچار مشکل می‌گردد. «بتضییع الجهاد و سیم الخسف و منع النصف» (همان، خطبه، ۲۷). جامعه‌ای که عدالت نداشته باشد به خواری محکوم است. «و اعتدلت معالم العدل و جرت علی اذلالها السنن، فصلح بذالك الزمان و طمع فی بقاء الدولة و یئست مطامع الاعداء» (همان، خطبه ۲۱۶). با برقراری عدالت سنن (قوانین) اجرا می‌گردد. روزگار اصلاح می‌شود، مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. شهید مطهری در برداشت عدالت در جامعه از دیدگاه امام علی علیه‌السلام می‌نویسد: آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. (مطهری مجموعه آثار ج ۱۶، ۱۳۸۱: ۴۳۷).

مسئولیت‌پذیری افراد در جامعه، رفتار هماهنگ افراد را می‌طلبد در جامعه‌ای این هماهنگی به وجود می‌آید که عدالت اجتماعی در آن باشد و همه مردم احساس می‌کنند که حقوقشان ضایع نمی‌شود و به سرنوشت همدیگر احساس مسئولیت می‌کنند و از قوانین اطاعت دارند، با این چنین تنظیم رفتار اجتماعی بهترین نظارت اجتماعی، در جامعه شکل می‌گیرد. به فرمایش امام علی علیه‌السلام: «العدل یضع الامور مواضعها» «العدل سائس عام» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). عدالت هر چیز را در جای خود می‌نهد، عدالت تدبیر عمومی مردم است. با عدالت اجتماعی همه امور انتظام جامعه در جای خود قرار می‌گیرد.

ج) برنامه‌ریزی برای بهبود وضع موجود جامعه

شناخت قانون‌مندی جامعه این توانایی، برای کارشناس انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند که

آن‌ها می‌توانند آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و نیز عوامل به وجود آورنده آن را شناسایی کرده و در جهت چاره‌اندیشی و اصلاح وضع موجود اقدام کنند. هم‌چنین با توجه به آرمان‌ها و در راستای سعادت واقعی جامعه، با شناخت مکانیسم تحول از وضع موجود به وضع ایدئال، برای حرکت جامعه بدان سو برنامه‌ریزی نمایند. از سوی دیگر، با شناخت عوامل پدیدآورنده و نهادینه کننده ارزش‌ها، ارزش‌های مثبت را ابقا کنند و در پرتو این برنامه‌ریزی‌ها مصونیت جامعه را در برابر آسیب‌های اجتماعی تأمین نمایند و در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه، جامعه را واکسینه نمایند. بررسی آیات است که بیان‌کننده قانون‌مندی جامعه نه به صورت مستقیم و نه درباره جامعه خاص می‌باشند؛ بلکه درصدد بیان قانون‌مندی جامعه از نظر شرایط صدق است که با داشتن معیار و مصداق قابل تطبیق است. برای نمونه قانون‌مندی در جامعه مؤمنان در سوره بقره مورد بررسی قرار گرفته است.

قانون‌مندی جامعه مؤمنان (متقین) در اول سوره بقره (۲-۵) بیان شده است. در این آیات ویژگی‌های جامعه باتقوا تبیین شده است. ویژگی‌های جامعه مؤمنان (ایمان به غیب، ارتباط با خدا، ارتباط با انسان‌ها) مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ج اول، ۳۸-۴۱؛ نشان‌دهنده قانون‌مندی جامعه است؛ در نتیجه، رستگاری که در نهایت برای متقین ذکر شده نتیجه عمل به قانون الهی است.

در برخی آیات قانون‌مندی جامعه به صورت مشروط بیان شده است، اگر این شرایط در جامعه فراهم شود، نظام اجتماعی از آثار برخوردار می‌شود. نمونه این آیات: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» - سوره محمد/ آیه ۷ «اگر با پایبندی به قانون‌مندی الهی جامعه، خدا را یاری کردید، خدا شمارا یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. آیه دیگر: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» - سوره اعراف/ آیه ۹۶ «اگر جامعه با قانون‌مندی با ایمان و باتقوا باشد، برکات آسمان و زمین بر آن‌ها گشوده می‌شود. نقش ایمان و تقوا و دوری از محرمات الهی چگونه در زندگی اجتماعی اثر می‌گذارد و در انجام دادن کارها و موفقیت‌هایی که برای جامعه پیش می‌آید می‌تواند راهگشا باشد، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَّكُمْ فُرْقَانًا سوره انفال/ آیه ۲۹»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پروای الهی داشته باشید او به شما قوه تشخیص حق از باطل خواهد داد». خداوند ثمره تقوای الهی را فرقان نامیده که افراد می‌توانند مسیر حق‌گرایی را درک نمایند. و همچنین می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» - سوره طلاق/ آیه ۲-۳؛ جامعه باتقوا خداوند راه بیرون شدن از گناهان و حوادث عالم را

می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد روزی عطا می‌کند. برخی آیات، قانون حاکم بر جامعه را با فرجام نیک و پسندیده برای افراد و گروه‌های صالح و اصلاح‌طلبانی می‌داند که درنهایت برای نجات جامعه از ظلم و ستم به پا می‌خیزند و بر حاکمان ستمگر و ظالم مسلط می‌شوند (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۲۴) نمونه این آیات: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...» سوره توبه/آیه ۳۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ...» - سوره نور/ آیه ۵۵. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» - سوره قصص/ آیه ۵ این آیات آثار اجتماعی قانون‌مندی در جامعه را در برنامه‌ریزی وضعیت نظام اجتماعی است؛ سرانجام جامعه قانون‌مند، پیروزی حق بر باطل است خداوند سعادت جامعه قانون‌مدار باایمان و عمل صالح را به جانشینی در زمین وعده داده و چنین اراده نموده برای کسانی که پیروی از قانون الهی نمایند حاکمیت و وراثت زمین را داشته باشند

نتیجه‌گیری

این تحقیق در موضوع «قانون‌مندی جامعه در نظام اجتماعی قرآن»، شامل مفاهیم قانون‌مندی، جامعه و نظام اجتماعی و روش تحلیل قانون‌مندی جامعه در قرآن؛ به این نتیجه رسیده است که قانون‌مندی جامعه در آیات قرآن بیان شده است. روش بیان قانون‌مندی جامعه به سه روش مستقیم با عنوان «سنت الله»، اشاره به جامعه خاص و مفهوم گیری از آن و سرایت دادن به نوع جامعه به‌طور مطلق و استفاده قانون‌مندی جامعه با استفاده از شرایط صدق و تطبیق قاعده و کشف قانون از تاریخ اقوام گذشته و از سیر و نظر کردن به آن‌ها، همه این موارد متفرع بر این نکته است که جامعه قانون‌مند باشد، وگرنه امکان کشف قانون، میسر نخواهد شد. آیات موردنظر با توجه به اطلاق آن‌ها، بر اشتراک قانون جامعه، در تمامی جوامع دلالت دارد، بی‌آنکه تنها بر قانون‌مندی پدیده‌های اجتماعی یک جامعه و قوم معین دلالت داشته باشد. در بحث قانون‌مندی جامعه در آیات، قانون‌هایی موردنظر است که مربوط به بعد اجتماعی انسان باشد؛ خواه به بعد پویایی جامعه ناظر باشد، یا این‌که ایستاشناسی جامعه را در برگیرد. از دلالت آیات استفاده می‌شود که جامعه قانون دارد و پدیده‌های اجتماعی و تطور آن‌ها، با این قوانین اداره می‌شود. کاربرد قانون الهی در این آیات بر این امر دلالت دارد که با جستجو در قانون جامعه، شناخت علل و معلول و اصول و قوانین حاکم بر جامعه روشن می‌شود. درنهایت، آثار اجتماعی قانون‌مندی در جامعه، قابل استنباط است مانند، قانون‌مندی باایمان در جامعه هویت

توحیدی می‌دهد، با ترسیم نمودن راه مستقیم، از جامعه کافران و منافقان متمایز، می‌شود. در جامعه مؤمنان، کمالات انسانی دارای مراتب تکاملی است. ویژگی‌های مانند تقوا نمونه‌ی کمال از ایمان است. در جامعه توحیدی، قانون‌مندی مؤمنین با امر به معروف و نهی از منکر و... همبستگی اجتماعی الهی را عملیاتی می‌نمایند و ارتباط با خدا در عین ارتباط با خلق خدا معنی پیدا می‌کند. با اجرایی نمودن نظارت اجتماعی، نوع دوستی به همدیگر را، همگانی می‌سازند. با داشتن روحیه امید به نصرت الهی و حقانیت، از الطاف الهی برخوردار می‌شوند. با داشتن ولایت الهی جامعه تکاملی حرکت از تاریکی‌ها به سوی نور را دارند؛ در نتیجه رستگاری برای آن‌ها وعده داده شده است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۳۷، چاپ اول.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان؛ مقدمه ابن خلدون، جلد اول؛ ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹، چاپ هفتم.
۳. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۴ ش)؛ تأویل مشکل القرآن؛ ترجمه: محمدحسین بحری بینا باج، مشهد، آستان قدس رضوی.
۴. ریتزر، جورج؛ نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۴.
۵. ریشه، گی؛ جامعه‌شناسی پارسونز، عبدالحسین نیک گهر، تهران، تبیان، ۱۳۷۶.
۶. صدر، سید محمدباقر، المدرسة القرانیة، قم. المؤتمر العالمی للامام الشهید الصدر، ۱۴۰۹ ق.
۷. صدر، محمدباقر؛ تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخ در قرآن؛ ترجمه: جمال موسوی اصفهانی، تهران، انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱ ش.
۸. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان؛ ترجمه: محمدباقر موسوی، ایران - قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ه. ش، چاپ پنجم.
۹. طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۶ ش، چاپ سوم.
۱۰. فارابی، ابونصر؛ اندیشه‌های اهل مدینه فاضله؛ ترجمه: سید جعفر سجادی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، ۱۳۵۴، چاپ اول.
۱۱. فخرالدین بن محمد طریحی؛ مجمع البحرین و مطلع النیرین؛ تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۱۲. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، ۱۳۸۳، چاپ بیست و سوم.
۱۳. کرمی فریدنی، علی، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم، نشر نسیم انتظار، ۱۳۸۵.
۱۴. کوزر، لوئیس آلفرد؛ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی؛ ترجمه: محسن ثلاثی،

- تهران، علمی، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم.
۱۵. کلینی محمد بن یعقوب؛ کافی؛ قم، دار الحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ قم، نشر سازمان تبلیغات، ۱۳۸۰، چاپ پنجم.
۱۷. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ ش)؛ مجموعه آثار، ج ۱۶، (سیری در نهج البلاغه)؛ تهران، انتشارات صدرا،
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ تحقیق و تنظیم: احمدعلی بابائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶، چاپ سوم.
۲۰. منتسکیو، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، چاپ هشتم.
۲۱. همدانی، محمد حسینی؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۳۸۰ ش.
- مقاله:
۲۲. رجبی، محمود؛ «قانونمندی تاریخ و جامعه»، تاریخ در آینه پژوهش، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۸۳.